

جشن شاهنشاهی ایران

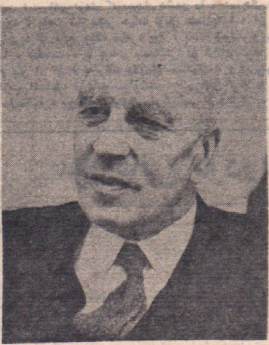


این روزنامه یکبار در تاریخ طی ۱۰۰ شماره و در تیراژی برابر تیراژی مجرای سراسر کشور و همراه با آئین انشا میسر میاید

شماره شصت و دوم : دوشنبه دوازدهم مهرماه ۱۳۵۰

تجارب شاهنشاهی ایران میتواند سر مشق بشریت باشد

آرنولد توین بی، مورخ بزرگ انگلیس و جهان آزر شاهنشاهی ایران سخن میگوید.



آرنولد جوزف توین بی

تکرار میکنم که: شاهنشاهی ایران در ساختن آینده بشر اثر داشته است

شبهه شاهنشاهی کورش و جانشینانش همان روحیه است که دنیای امروز در سینه رهبران سیاسی در جستجوی آن است

اسکندر مقدونی مغلوب عظمت تمدن ایران و بزرگی روحیه ایرانیان شد

متن مقاله همراه با معرفی کامل آرنولد توین بی در صفحه پنجم

* داده های زبان پارسی و هنر ایرانی به جامعه انسانی *
* چهره جشن شاهنشاهی در چند کشور خارجی دیگر *

با ستانه پر شکوه سهشنبه ۲۰ مهرماه ۱۳۵۰ رسیده ایم

ملت ایران با جشن شاهنشاهی تاریخ و آینده خویش را چرخان میکند

* آنانکه مسؤلیتی بزرگ تر بر عهده دارند

تاکیدی دوباره بر امون روشنگریهای شاهنشاه آریامهر برای رسیدن به دوران تمدن بزرگ صفحه ۷
* گزارش خبری جشن شاهنشاهی در جرید جهان صفحه ۴

۱۰۰ لوله آذر و آذر گهر

کلید کار در دستهاست

«آباد کردن کشور، مبارزه با فقر و جهالت و تعمیم فرهنگ و بهداشت با حرف امکان پذیر نیست. باید کار کرد. کار مداوم و طولانی»
از فرمایشات رضاشاه کبیر بنیانگذار ایران نوین * * *
راه، بهرشتهای خاکستری رنگ میماند که از زیر پای انسان آغاز میشود و به اقیانوس دور دست، می پیوندد. گاه، اینجا می پذیرد، و زمانی ادامه ی خود را در سرایشها بقیه در صفحه ۶

پیروزی های عصر آریامهر

در آستانه جشن پر شکوه شاهنشاهی، بر سر راه عصر آریامهر، بر شرایم، پیروزیهایی که دنیا، آوارا، معجزه تاریخ می یابد، و نخست از انرژی برق، آغاز کنیم. شاهنشاه آریامهر، در گشایش دوره جدید قاف و نگرانی، پیروزیهای خیره کننده تولید انرژی برق را اینگونه مطرح ساختند:

- تولید انرژی برق در بخش دولتی از ۱۸۶۰ میلیون کیلووات ساعت در سال ۱۳۴۶ به ۵۸۰۰ میلیون کیلووات ساعت در سال ۱۳۵۰ افزایش یافت. یعنی در این مدت رشد نیروی برق در کشور به ۳۲۰ درصد بالغ گردید.
- با ساختمان نیروگاههای بزرگ آبی و حرارتی، قدرت نصب شده از ۶۵۰ هزار کیلووات در سال ۱۳۴۶ به یک میلیون و ۸۰۰ هزار کیلووات در حال حاضر رسیده و تا آخر برنامه چهارم این رقم به ۳ میلیون کیلووات خواهد رسید.
- برای اولین مرتبه شبکه سراسری برق مشار قوی انتقال نیرو در طول ۶ هزار کیلومتر مورد بهره برداری در سطح کشور قرار گرفته است.

این ارقام، عظمت عصری را که آغاز شد، به ملت ما، یادآوری میکند، عظمت عصر آریامهر را. واقفان آریامهر را، هنگامیکه پشتوانه استوار وی خلال گشته است، در جشن آئین شاهنشاهی، در کنار، خوش داریم، بروی ما می گشاید. عصر آریامهر، که در آئین شاهنشاهی، آغاز تازه ای است، همچون عصر کوروش و داریوش، آفریننده عظمت و شکوه ملی و جهانی است و باین عصر هست که گوش و چشم ملت ما را ارقام نجومی، در زمینه پیشرفت ها، آشناده است، و خوشگرفته است، و پیشرفت ها، به نسبت های هندسی بر آورد میشود. بقیه در صفحه ۸

روزنامه ۲۵۰ ساله سانسازی ایران

دادند و بغداد را به محاصره کشید. و نادر فرمان راند تا بغداد بمشغور تسخیر کرد. در محاصره افشره درآید: اما پیش از آنکه این شهر سقوط خود را بادیدگان حیرت خود دریابد: باردیکی و خدمه و نوخته در اصفهان میوه دل خود را بار آورد. و محمدخان بلوچ، که از سوی گروهی از توطئهگران تحریک میشد، دست به عصیانیت زد و بدست سرکشی و توسنی برخاست. و نادر، که در استانهی تسخیر بغداد بود، ناکرز شد تقاضای صلح احدباشا، حاکم بغداد را پذیرد. و احدباشا، به نمایندگی از سوی حکومت عثمانی، با دولت ایران معاهده امضاء کرد و بموجب آن قرارداد مرزهای ایران و عثمانی، همان مرزهای ایام سلطنت شاهسلطان حسین باشد.

سپاه نادر، و بفرمان او، برای ویرانشاندن فتنه محمدخان بلوچ، به خوشتر درآمده. و چون مسافعی از خشم و شعله ای آتشگران در آنجا فراتند. محمدخان بلوچ، در حدود کوه فیلولیه، با یاران خود، به مقاومت در برابر سپاه نادر برخاست ولی سرانجام شکست بر او و یارانش فرود آمد. او خود، به لار گریخت. نادر، به شیراز درآید، و از سوی خوشی «همایستکیخان چلوار» را برای دستگیری خانبلوچ، بهلا اعزام داشت. فرستاده نادر، راهی نادر شد و مقاومت در برابر سپاه نادر برخاست ولی سرانجام شکست بر او و یارانش فرود آمد. او خود، به لار گریخت. نادر، به شیراز درآید، و از سوی خوشی «همایستکیخان چلوار» را برای دستگیری خانبلوچ، بهلا اعزام داشت. فرستاده نادر، راهی نادر شد و مقاومت در برابر سپاه نادر برخاست ولی سرانجام شکست بر او و یارانش فرود آمد. او خود، به لار گریخت.

و این فتنه، که به بدست توطئهگران شکل گرفته بود و ناسپود حاکمبغداد، احمد باشا، نام گردید، خاموش شد. و محمدخان بلوچ، برائی افوای ابریشمان و نیز خیاات خوش، و جان را از دست داد. و نادر، در این زمان تمام خاهاش را نمانده را از ازمین برداشت و آرامی را، چون طبری، در برآمد آن سرزمینهاست. او به اصفهان و آنگاه به آذربایجان درآید. و دست سرنوشته حلقه ای دیگر می آید. جلدهای گهربار دیگر، و ابرهین چنگ را برمی انگیزد تا به آذربایران، و کین بندد و نام خود گشود و فراگرد. و حاده، و بدست ترکان پیمان شکن عثمانی، در حال کین بود آنگاه، از پذیرفتن عهدنامه که میان نادر و سردار لاری، و نمانده آنان، احدباشا، منعقد شده بود، سرپیچی کرده بودند و این خود، کالی بود تا آتش اختلاف را دامن زند.

تخت، و در اولین هواردی، نادر بیست هزار تن از سپاهیان عثمانی را مغلوب و پراکنده ساخت و بدلاوری آنان را چنان بمنگناک شکست کشاند که روی به زمینیست شکست نهادند و در این زمان، خبری تلخ به گوش سردار بزرگ رسید: محمدخان بلوچ، در جنوب، سپاه بهعیسان و فغان برداشته بود. اما سردار ایران، این قبایز را به هیچ گرفت و عازم کرکوت شد و در قریه «ایران»، در سفر دست گرفت. و بار دیگر، نبرد، میان سپاه ایران و عثمانی درگرفت. و سپاه ایران، اینبار بگرمک، قریب حیلها و شکردهای خربلای نخورد و چون سپاه روسیه، در دیهات مرکز، برسای ایران افتاد. و برای بارور کردن جوانه های که رسته بوده بهلاش دست زد و سرانجام، آنگونه در راه هدف یابردی کرده سپاه خصیما درم شکست. و توپال عثمانی شاه، فرمانده قوای عثمانی و سردار اعظم در راه خود، با چشم دید، نادر و اندیشمند و با تجربه، سابق از این بیروزی دست به انجام نقشه ای زد که از دو دیدگاه برای ایرانزمین، بیروزی آفرین بود او بهمیسان در فرمان عقبنشینی داد تا بار دیگر بهفر «دبانه» بازگردد و او، شاهد بیوسنستگاه خراسان، کرمان، آذربایران و کرمانشاه، باسایا خود باشد. و آنگاه، برای فتح بغداد، میچیزد و نیرومندی، و نام آغاز. و از سوی نادر، که در این زمان سلاز، از کینگاه خود دور گرد و نقشه او، فراتر از بازنشسته ایرانزمین، بهدبانه، اینهمه را در دینش توپال عثمانی شاه پیچود آورد که همایستکی، نادر دلیز آذربایران، بدلیل عدم توانایی و کمی تعداد نفرات، عقبنشینی کرده است.

در این برهه که شمشیر او، به مقتضای سپاه نادر پرداخته، و سپاه ایران، در راه خود، نمانده برسای عثمانی یونش پیرونه و نبرد بهرحله پایان نزیده شد. و مسدان تیرومند، سپاه ایران، با پذیرفتنهای باهمجان را داد. و تیزی و پشتکار و دلوری یکی از فرماندهان دلیز ایران زمین، سپاهی مردی که سردار عثمانی را، در حال عزیمت شناخته بود، و باعث شد دفتر حیات توپال عثمانی شاه، آن حرف افتاد. و پس از آن، به حرکت دلوری سپاهیان، و بدیروزی توپال نادر، و کین سلطنته و فتح سرنوشته، شهنشاهی کریلا، و حلقه، نجف، سلیمانیه، و موصل، و کرکوت را یکی پس از دیگری به تصرف

۱۷۳۵ - میلادی

آتش، سوخته است و چون درجائی فرود آمد، چشم میبندد و کام حرص خود را میکشاید و بدینج، همه جا را، بهکسار خویش میفرستد. از آتش باید برهیز کرد. اولی اتکاه که آتش، بدست آتشافروزان شملهور میشود، آسایش بای گرز هست؟ و آیا باید روی به هزیمت نهاد و به آتشافروز و روارنگر، و به آتش حرصی گرسنه، مجال داد تا بهنابودی کمربند خود را بر همه جایگستراند؟ هرگز این راه را، اندیشه روشن نمیبندد. اندیشه روشن، و آسمان را در برابر آتش که برخواستیست، او پرورش یافته، و به چاره گیری برمیآید. او را تا تیریس مسازد یا همه ی کوشش خود، آتش را میهار کند. و اکنون دولت خااطع و بیجان شکن عثمانی، بدست کوشش افروخته دولت ایرانیزند و میداندهند تا فتنه ی ترکان عثمانی، به جلع نازد.

دولت عثمانی، عیاله باشا کوپرلیوزاده، و والی مصر را، با سپاهی میچیز و تازینگی، بدست ایران روانه داشت و به او اختیار داد تا در زمین تازینگی و با صلح، آزادانه، اقدام کند. و سردار کینچیوی حمله ای، با جتک را از تیریس و لاری هدف خود را در جامعه ی حمله ای پویانده و خواست حمله ای را بکار بنده که یکبار موثر افتاده بود. اما اینبار، نادر در سبای و بیسوان فرامنده به میدان آمده بود. و نادر، و با هوشت و درایت استخوان خود، در وقت کلاتوری نشین را نخورد و در آغاز، از اردبیل، به پیشروشان گذشت. حکمران دشمنانده شاه عثمانی، و «سرای خانکنتوری» بود تاخیر گرفت. او از نهر «گورا» گذشت و داخل «مغانی» شد. و در این مسیر، با سپاه دلور و مردان دشمنی او، بیروزی آفرین پیونده. بیروزی هانی که نادر و شکست گریز دشمن رسید. و «سرای خان» روی نجا، فرامنده از سرداران عثمانی مقیم نطقس و لیس، و پاشایان افغان، درخواست اجازت کرد. و سرداران دلور ایران، نادر بزرگ تا نایب - السلطنه، یکی از سرداران دلیز خود، همسایگان بلاری را، که کارگزارش در امرش در فارس و مدافع محمدخان بلوچ، بازنکشته بود، که به تعقیب «سرای» گسیل داشت. و «سرای» که پس از دو شکست پدیدمی، ناب مقاومت در برابر سپاه ایران زمیندار نشاند، و «چرگی» گریخت. و زمانی بعد، داستان، به تصرف ایران درآید و همسایگان چلوار، از سوی نادر، مقاومت، بافشاری کردند. و نادر، که اکنون چند تن از همسندان را در خدمت داشت و از دستگیری سفیر روس هم، بهره میبرد، محاصره را، با شدت ادامه داد و حلقه ای آن را تنگتر کرد. و برهمن دیرین ایران، عثمانی، که به چاره گیری برخاست. و درصدد برداشتن که سلطان خلیفه فرم «کریم» را به حمله بدافغانستان وادار سازد. و در این کار، و سلطان اقبالی مجزیره «کریم» محاصره افغانستان، تسخیر آن از خاک روسیه بود. و این بیسوان مستلزم سرورازان او، از خاک روسیه بود. و این بیسوان افروختن شمله ای چنگ میان دولین روسیه و عثمانی بود دولت روسیه، که خود را نیازمند به یاری ایران، و سپاه دلور نادر، و سردار برومند میبایست، دست انداز بسوی ایران درآید کرد و اتحاد، اتفاق افتاد و در «تجنج» پیمان دوستی ایران و روسیه، بسته آمد.

از شهرهایی که دولت عثمانی، در سایه بافرنگی و تصرف تیوریوشی آتش یونخانه خود، و با استفاده از فرصت، به تصرف درآورده بودند، چهار قلعه ای «ایران» - «تجنج» - «فارس» - «نطقس» - «مغانکلی» بودند که سردار ایران، و میبایست نخست آنجا را به تسخیر درآورد و نادر عثمانی را از ایران براند. زیرا این قلعه ها، به منزله ای بناگاهالهی ایمن می نمود که آشیانه ی مقاومت آنان بود. و نادر بزرگ، نادر توانا، که به محاصره این چهار قلعه پرداخت. و در همین حال سبای سنیوه، و میچیز خانکنتوری همسایر کلاه باشا، از وزیران و همسایر عثمانی ایمن می نمود که همجا، با بهره رفتن از آتش دشمنی نادر بزرگ، و بیروزی را که با او می نمود و در نطقس، آمان سپاهیان ایرانزمین به بیروزی بود، و این، عملی بود که از هر کدام سپاهیان مردان شملهور ایران، و صانعان آن آزاده و نیرو و گناه خشم و انتقام میبایست. و سرانجام مهارت آنان، و تجربه های که در نبرد هادی بیسین اندوخته پیونده، بعنوان عوامل دیگر به یاری برخاسته بود، و عوامل، دست بدست در دادند و یاری آذربایران، و آذربایران و سپاه ایران، که در شماره از سپاه عثمانی بسیار کمتر بود، بیروزی را آفریندند و ایاتان، و چنان سپاه یکمده و بیستتجزای نوری عثمانی را در محل، که درهمه کوه فیدرودس در اصفهان، هرگز سردار بزرگ، «احمدباشا» و «همایستکی شاه» که پاشای دیار کرب بود، شکست شدند و این بزرگترین بیروزی بود و میگرفت. و این نازل شد، و «تجنج» و «نطقس» بدست ایران افتاد.

نوشته های شامل دواولع آثار تاریخی و فلسفی است. دو قسمت تاریخی بیشتر به تخریر شرح حال میرزا یزدان پورم و درم قدیم (دوشهرم) پرداخته است و سرنظر آریست های مربوط به تاریخ خانمشانینا دو. از کربلای مرگ آنتوان سبای جزو بیست کتابی آنتوان باهاران و برخورد او با سپاهیان سرداران اشکانی آشتا میباشند. سالها پیش کتاب بلو تارلو توسط فرانسوا امیل کسروی در دو جلد بفاروس ترجمه شده است. و سالیهای اخیر نیز چهار جلد زندگنامه های او بنام حیات مردان نامی که دو بخش اولیوش دوم قسمت مدهاد از اوضاع ایران است، بیست کرده توسط آنتوان مشایخ به فارسی ترجمه آنرا و طرف نگاه ترجمه نوشته کتاب چلب و منتشر شده است.

دو تن هم عصر قلیب مقدوسی پدی اسکندرو بود و قلیب ساداتی ۲۵۹ - ۲۳۶ مزیریت - اللیبات زبیدی تاریخ به آسبا نوشت و زمانی نیز به ایران آمد و در تبار اولیوش دوم جلد اولیوش افلاطون او دیواره ایران چالب بود و تاریخ او، و آرتاسلر دولت آتور افکات و در تسخیر سرزمین ایران اسکندرو کرد است زیرا این همسایر. او نیز توطئه کرده خاسنه میباید. او نیز توطئه کرده خاسنه استناد بهم استعددی و قوه ی اولیوش مورخ نامی سابق از او کتاب و استخراج کرده است.

پلو تارک - نخستین زندگینامه نویس جهان، به تحقیق و مورخ پلو تارک از مردان آن سبوس و تحصیلات خود در این شهر آغاز کرد و خامه داد او از شیخان مکتب افلاطون بود و همین سب

مورخانی که درباره ایران تاریخ نوشته اند

- ۱ - تخریق از: خسرو معتضد
- ۲ - دینی DINON
- ۳ - هم عصر اردشیر دوم - مورخی بزرگ ولی گنگنام
- ۴ - کاپولاری، المان و کربالیوس
- ۵ - آپوس مورخ یونانی و یونانی دومی از مورخی بنده نامی، یاد نگیرنده و نوشته های او را ذکر نموده اند آرتاجین مورخی بی بیروزی
- ۶ - کلیه تاریخات او کم یاباندر شده اما در کتابهای مورخین دیگر بسیاری از متفاوت آنها ذکر شده است.
- ۷ - دو تن هم عصر قلیب مقدوسی پدی اسکندرو بود و قلیب ساداتی ۲۵۹ - ۲۳۶ مزیریت - اللیبات زبیدی تاریخ به آسبا نوشت و زمانی نیز به ایران آمد و در تبار اولیوش دوم جلد اولیوش افلاطون او دیواره ایران چالب بود و تاریخ او، و آرتاسلر دولت آتور افکات و در تسخیر سرزمین ایران اسکندرو کرد است زیرا این همسایر. او نیز توطئه کرده خاسنه میباید. او نیز توطئه کرده خاسنه استناد بهم استعددی و قوه ی اولیوش مورخ نامی سابق از او کتاب و استخراج کرده است.

۱ -

این مورخ و جغرافیدان یونانی شهرت زیادی ندارد اما سه جلد کتابی که در تاریخ و جغرافیای ایران نوشته امین بدست آورده وی از مردم خراسانی بود اولین مورخ بود در توضیح گویای ایران بازر کرده است و زمان زیست او قرن اول میلادی بوده است.

۲ -

بزرگترین منبعی که ما درباره سفر جنگی اسکندرو یونانی یاریان در دست داریم نوشته های آریان مورخ یونانی قرن دوم میلادی است آریان از مردم فیلیپولی در آسیای صغیر می بود در آغاز کارهای سیاسی و دیپلماتیک کنسول روم در کابا دوکی بود سپس از اول مورثی کناره گیری کرد و به تاریخ نویسی پرداخت.

۳ -

میلادیت زبیدی از اوردخرانی، فلسفه، و تاریخ و امور جنگی یاریانده است اما امینتتاریخ های او از نظر تاریخ ایران دو ایست گویاتابی بنام «انالیس» تاریخ سفرهای جنگی اسکندرو نوشته در آن شرح تلکتری اسکندرو به ایران درآورد کرده است.

۴ -

اراستیون بیشتر جغرافیدان بوده نامور، وی یونانی بود و در سال ۲۷۴ قبل از میلاد توسط اردشیر در سدد تهیه نقشه ای صحیح از دنیاشناخته شده عصر خود بود مذهب او اسکندریه به عصر مطالعه و تحقیق پرداخت و سرانجام کتابهای تالیف کرد و نقشه های کشید که از لحاظ شناخت جغرافیای ایران قابل استفاده اند.

۵ -

این مورخ و جغرافیدان یونانی شهرت زیادی ندارد اما سه جلد کتابی که در تاریخ و جغرافیای ایران نوشته امین بدست آورده وی از مردم خراسانی بود اولین مورخ بود در توضیح گویای ایران بازر کرده است و زمان زیست او قرن اول میلادی بوده است.

۶ -

بزرگترین منبعی که ما درباره سفر جنگی اسکندرو یونانی یاریان در دست داریم نوشته های آریان مورخ یونانی قرن دوم میلادی است آریان از مردم فیلیپولی در آسیای صغیر می بود در آغاز کارهای سیاسی و دیپلماتیک کنسول روم در کابا دوکی بود سپس از اول مورثی کناره گیری کرد و به تاریخ نویسی پرداخت.

۷ -

میلادیت زبیدی از اوردخرانی، فلسفه، و تاریخ و امور جنگی یاریانده است اما امینتتاریخ های او از نظر تاریخ ایران دو ایست گویاتابی بنام «انالیس» تاریخ سفرهای جنگی اسکندرو نوشته در آن شرح تلکتری اسکندرو به ایران درآورد کرده است.

۸ -

پولی یوس پولی یوس مورخی یونانی بوده که بین سالهای ۱۲۴ تا ۱۵۰ ق م میلاد متولد شده و بین سالهای ۱۲۰ تا ۱۲۵ ق م میلاد سفر است. تاریخ او در اصل شش جلد کتاب در اوضاع عمومی دنیای قدیم بوده است. اما فقط دو جلد اول و دوازدهم از کتابهای دیگر او باقی مانده که بیشتر مربوط به تاریخ روم است. بخشهای از کتاب او به ایران و کشور های دیگر تشریح مربوط میشود و همین نتایج برای خواننده ایرانی قابل استفاده است. وی از تاریخ نویسی مورخ فلسفی داشته و بر سادت مورخ قدیم معتقد بوده است.

۹ -

این مورخ که اصلا از مسردم فیلیپوس بود در قرن دوم میلادی میزیست و سپس نامیب تباری بدست آورد. تاریخ فیلیپوس از زبان یونانی نوشته و از کتاب او مطالبی درباره شرق قدیم و ایران بدست می آید وی موسسار در مکتب و تمدن یونانی باستان بود.

۱۰ -

اراستیون بیشتر جغرافیدان بوده نامور، وی یونانی بود و در سال ۲۷۴ قبل از میلاد توسط اردشیر در سدد تهیه نقشه ای صحیح از دنیاشناخته شده عصر خود بود مذهب او اسکندریه به عصر مطالعه و تحقیق پرداخت و سرانجام کتابهای تالیف کرد و نقشه های کشید که از لحاظ شناخت جغرافیای ایران قابل استفاده اند.

۱۱ -

این مورخ و جغرافیدان یونانی شهرت زیادی ندارد اما سه جلد کتابی که در تاریخ و جغرافیای ایران نوشته امین بدست آورده وی از مردم خراسانی بود اولین مورخ بود در توضیح گویای ایران بازر کرده است و زمان زیست او قرن اول میلادی بوده است.

۱۲ -

بزرگترین منبعی که ما درباره سفر جنگی اسکندرو یونانی یاریان در دست داریم نوشته های آریان مورخ یونانی قرن دوم میلادی است آریان از مردم فیلیپولی در آسیای صغیر می بود در آغاز کارهای سیاسی و دیپلماتیک کنسول روم در کابا دوکی بود سپس از اول مورثی کناره گیری کرد و به تاریخ نویسی پرداخت.

شماره شصت و دوم

در شاهنشاهی

۱۳-

تجدید حیات ادبی ایران

بانهضت یعقوب آغاز شد

در میان سلسله صفاری ، یعقوبلیت آژان نظر که به نشر اسلام و تشویق صاحبزادگان پارسی گوئی و تحریم شعر عربی پرداخته است...

هندوستان آورده وبعدها ترقیب کار نظران داده شده است (۳) در دربار عمرو صفاری برادر یعقوب و جانشین وی، فیروزه شرقی (مشق دربار یعقوب) و ابولیک کانی مورد تشویق و حمایت قرار گرفتند و اشعار خود را سرودند (۴).

وی تلقی گردید و حتی بر اویتی برادر همین امر است که سرودن شعر بلهجه دری معمول گشت - مؤلف تاریخ سیستان (۵) هنگام بحث در فوتاح یعقوبلیت صفار در خراسان و گشودن هرات و پوشنگ و گرفتن کنورسیستان و کابل و کرمان و فارس از محمدبن طاهر فرمانزوی کل مشرق ایران و تارومار کردن خوارج بنویسد: پس شعرا او را شعرگفتندی بنامی:

قدارکم الله العظیم والبلید بملک یعقوب نئی الافضالوالعبد چون این شعر برخوانند او عالم نبود و درنیافت. محمدبن وصیف حاضر بود و دیسر اولین شعر پارسی اندرجه او گفت. اولین شعر محمدبن وصیف که در مدح یعقوب و فتوحات وی در هرات و کرمان و فارس سروده شده و در تاریخ سیستان آمده است با مطلع زیر شروع میشود.

ای امیری که امیران جهان خامه و عام بنده وچاکر و مولای سگرویندو غلام و محمدبن مخلص شاعری دیگر نیز در همین قضایا پیارسی گفت: جز تو نراد حوا و آدم نکنت محض بیغیر میگری توستی بکش ویشمش و به گوشت توجه یابن نکته جالب است که شعرا زرتشتی یعنی: پنداریک، کمتاریک، کرداریک بطور وضوح دراین شعر آمده است منتها به پیغمبر مکی نسبت داده شده است و این مسئله

به که آب روی ریژی در کنار بت پرستنده به از مردم پرست پند گیر و کاربند و گوشدار از موضوعاتی که در دوره صفاریان در میان شاعران عربی زبان که غالباً ایرانی زاد بوده اند راه یافت ذکر مفاخر ملی است. شعری ایرانی این دوره قفاقر بگنشتگان خود و ذکسر پادشاهان بزرگ ایران و شکوه و جلال آنهارا در شعر مورد توجه بسیار قرار میدادند. از جمله اشعاری فوق المتوکل ابواسحق ابراهیمبن مضاف اشعاری است که از اهل جی استهان بود و مدنی سنت کتاب متوکل را داشت و در کتابت عربی در عهد خود بنظیر و در فصاحت مثل مورد است. ابراهیمبن مشاة بغداد متوکل از مساجح اولاد او کناره گرفت و بیهیبتوبلیت صفاری بیوست و بعضی گفته اند که در ایام معتد به عنوان رسالت نزد یعقوب رفت و یعقوب او را نزد خود نگاهداشت.

مؤلف تاریخ نهضت های فکری ایرانیان می نویسد سلسله صفاریان حامی جدی زبان پارسی بود و باطالایی که از احوالو افتکار یعقوبلیت داریم می دانیم که او بتمد ایحاد یک دولت مستقل ملی ایرانی شروع بنمالت کرد و بر آن بود که در سایه درفش کاویان برهه ام، سیادت جوید و برسریر ملوکشیم (ایرانیان) برآید و رسوم کهن را تجدید کند. همین بس یا از آن روی که بازبان عرب آشنائی نداشت بشعر و ادب عرب توجهی نکرد و شاعران عربی زبان را از دربار خود راند. وی علاقمند بود زبانی را که خود میفهمد و بدین سخن میگوید زبان ادبی قرار دهد و شعر شاعران را بدان زبان مختلف چنین برمیآید که یعقوبلیت لهجه دری بعنوان زبان رسمی و ادبی دربار

خاص ویا شرکت نمایندگان مراکز مختلف علمی وفرهنگی اندونوزی امتحان خواهد شد. جمهوری آفریقای جنوبی - کنشایرسمی «موز» در شاهانگیب» در زوهانسبورگ ، این سوز در اقامتگاه اعلیحضرت رضاشاه کبیر در زوهانسبورگ بصورت یاکسوز در ایران و در استتوی تشکیل شده است. فیه نیلم منتتاریکمدقیقای از آثار موزه در شاهانگیب» - نایبشگاه. آثار هنر ایران در

تحقیقی از: دکتر منوچهر سعادت نوری

تأثیر عقاید زرتشتی را در ایام صفاریان و در زوایای سیستان و اقوام مردم جنوبی نشان میدهد و ثابت میکند که تأثیر لحظات هنوز قوانین و اصول زرتشتی برافکار مردم مسلط بوده است. پس از محمدبن وصیف ، پیام کورده یکی دیگر از شاعران سیستان نیز اشعاری پارسی سرود که در تاریخ سیستان آمده است (۶). احتمالاً تشویق در امر سرودن شعر پارسی توسط یعقوبلیت صفار (متوفی در سال ۲۶۵ هجری) الهام بخش حنظلہ بادغیسی (متوفی در سال ۳۲۰ هجری) معاصر امیر ابومحمد عبیداللهمین طاهر بوده است. دوستانان تاریخ شعر در ایران حنظلہ را از جمله اولین شاعران زبان فارسی و قفله زیر او منسوب باو میدانند: مهتری گر بکام شیر در است شوختر کن زکام شیر بجوی یا بزرگی و تاز و نعمت و جام یا چو مردات مرگ رویا روی نظمی عرضی سمرقندی در چهار مقاله یادآور میشود که احدبن عبدالله از اهالی خجستان در حدود ۲۶۵ هجری از خواندن قطعه فوق چنان برانگیخته شد که اسوال خود را فروخت و از زیبایی او اسبی خرید و خدمت علین لیث صفار درآمد و طولی نکشید که بامارت خراسان رسید. (۷) مؤلف تاریخ نهضت های فکری ایرانیان از قول حمدالله مستوفی در تاریخ گریده (۸) استماع دو بیت مذکور را چند سامان که سلسله فرهنگ پرور سامانیان را فرزندان وی تأسیس نمودند نست میدهد (۹) سلسله صفاری که در سال ۲۸۷ بدست اسمعیلبن احمد سامانی دریلخ متفرش شد (۱۰) بی شک با تشویق و پشتیبانی از سرانندگان پارسی کوی و ترویج و گسترش زبان و ادب فارسی بی شائبهنگ تجدید حیات ادبی ایران در دوران بعد از اسلام است و چه نیکو سروده است ملک الشعراء بهار:

ناکه بقر ازیدی از بیسه شد پندید یعقوبلیت ، شیر بیابان سیستان آزادی عجب را بنیان نهاد و کرد مهم عرب بیرون زدند قوم آریان بوروصیف سکری و پیام خساری گفتند شعر پارسی و زنده شد زبان «پایان قسمت فرهنگ و علوم در شاهنشاهی ایران باستان»

- ۱ - تاریخ مفصل ایران از صدر اسلام تا اقراض تا جاوره - ملکور دوئیل
۲ - سرگذشت سه هزار و باصفهاله ایران - ملکور دوئیل
۳ - تاریخ نهضت های فکری ایرانیان - ملکور دوئیل
۴ - تاریخ فرهنگ ایران - ملکور دوئیل
۵ - تاریخ سیستان - تالیف در حدود ۱۵۰۰ تا ۲۷۵ هجری - به تصنیف ملک الشعراء بهار (۱۲۱)
۶ - تاریخ نهضت های فکری ایرانیان - ملکور دوئیل
۷ - تاریخ فرهنگ ایران - ملکور دوئیل
۸ - تاریخ گریده - تالیف حمدالله مستوفی
۹ - تاریخ نهضت های فکری ایرانیان - ملکور دوئیل
۱۰ - تاریخ مفصل ایران از صدر اسلام - ملکور دوئیل

ژوهانسبورگ - نایبشگاه هنر ایران درکبیر تاون - نایبشگاه هنر ایسان در دوربان - اجرای ده گسرت در شهرهای ژوهانسبورگ ، برتوریا ، دوربان ، کبیر تاون ، بمدت بیست و پنج روز. توسط هنرمندان ایرانی خانجانبون آفریز. - مینار باغ تاریخ وتمدن ایران - در استتوی وابسط بین المللی آفریقای جنوبی ، در ژوهانسبورگ. - چهار برنامه مخصوص رادیویی

آردن هاشمی - آندونزی - بقیه از صفحه ۹ ۷۰۰۰۰ روپیه در دوفر که بهترین سرود موسیقی را دربار این بزرگداشت ، و بهترین نوشته را در یاره معرفی نمود و ارزش انالومی کوروش کبیر نیز گفته تعیین شده است . برنده یا برندگان این مسابقه توسط هیئت مخصوصی از داوران برگزیده خواهند شد و نوار موسیقی انتخاب شد ، بعنوان هدیه کبیرت انشوری ، برای شورای مرکزی جشن شاهنشاهی به ایران فرستاده خواهد شد . برای دانشجویان اندونزی که شرکت میکنند ، جایزهای به مبلغ ۵۰۰۰۰ روپیه از طرف کمیته آندونزی کوروش کبیر معین شده است که بدانشجویی که با انتخاب این مسابقه بهترین برنده را در تشخیص مینی از داوران مخصوص دربار شاهنشاهی ایران تالیف کند و پرداخت گردد . انتخاب اهداء جایزه با مراسم

شماره شصت و دوم

صفحه ۴

بخش‌های ۱۵۰۰ سده ششمین شمسی ایران



انگاش در جهان

گزارش خبری جشن شاهنشاهی در جراید جهان

شهبانو علقلمند که همزمان با برگزاری جشن شکوهت شاهنشاهی با یک دست و دگرگونی وسیع در زمینه های آبادانی و آموزشی در مناطق سراسر کشور پدید آمد و همه مردم از تمدن و پیشرفت برخوردار شوند.

هفته‌نامه الهدف سبب شرح قسمتی از زندگی علیاحضرت شهبانو پرداخته و می‌نویسد: شهبانوی نوشته ای روح زبور و نیکوکاری خود محبوبیت بی‌ظنری در میان مردم کشور خوددارند. مطبوعات معتبر پاکستان نیز ضمن انتشار مقالاتی درباره جشن دوهزار و پنجاهمین سال بنیانگذاری شاهنشاهی ایران نوشته‌اند که بیش از پنج تن از پادشاهان و سران کشور های مختلف جهان از جمله پربزیت بی‌سختی‌ها ریس جمهوری پاکستان برای شرکت در این جشن بزرگ باران سفر خواهند کرد.

این روزنامه‌ها می‌نویسند که پرتی فیلیپ هسمر ملکه انگلستان و شاهزاده دختر او بنیاندهی از طرف ملکه انگلستان در جشن شاهنشاهی ایران شرکت خواهند کرد.

خبرنگار خارجی‌گردی پاکستان برسی اینترنشنال در لندن ۱۰ اخیراً یکی از روزنامه‌های پاکستان نوشته است که هم‌اکنون در تخت جمشید در تبریات بسیار جالبی برای برگزاری جشن شکوهت شاهنشاهی ایران بعمل آمده است. و اضافه کرده است، که برای تهیه فیلمی از مراسم برگزاری جشن شاهنشاهی ایران به تهران خواهد آمد.

روزنامه اکسپرس چاپ ژرمنی دو مقاله‌ای نیز عنوان (ایران و دوهزار و پنجاهمین سال شاهنشاهی) می‌نویسد: هم‌اکنون بسیاری از رهبران کشور های جهان و نمایندگان آنان خود را برای شرکت در جشن شاهنشاهی ایران آماده می‌سازند. گروهی بزرگ تنها یک هفته مانده است که برای شرکت در جشن شکوهت شاهنشاهی ایران گرد آمده می‌باشند. اصلاحات بسیار اساسی و عینی در امور ایران خود بوجود آورده. این روزنامه سبب مدافع پیشرفت‌هایی است که در شهری شاهنشاهی ایران در زمینه های مختلف نصیب ملت ایران شده به تفصیل مطالبی انتشار داده است.

این روزنامه در کنار تمثال شاهنشاهی و سایر اضراب خاندان سلطنت مطالب مشروحی درباره پیشرفت های شرف ایران طی سال های اخیر نوشته است.

هفته‌نامه الهدف چاپ کشور چین تمثالی از شاهنشاهی ایران و خاندان سلطنت اشاره به اهمیت احداث دوهزار و پنجاه مدرسه بابود به مناسبت جشن شاهنشاهی میکند و می‌نویسد: شهبانوی ایران نمونه‌ای از بانوان ایران هستند که در راه بدست آوردن پیروزهای بیشتر مبارزه میکنند. علیاحضرت بارها به دهات و روستاهای دورافتاده مملکت مسافرت کرده و مشکلات و نیازمندی‌های مردم را از نزدیک مورد بررسی و رسیدگی قرار داده‌اند.

مطبوعات معتبر چین و همچنین بخش‌های خود را در باره اهمیت جشن دوهزار و پنجاهمین سال شاهنشاهی ایران ادامه میدهند. روزنامه الوردن چاپ امان ژرمنون (ملت ایران نیست به برتری جشن دوهزار و پنجاهمین سال بنیانگذاری شاهنشاهی ایران احساسات شورشی نشان میدهد) تفصیلی درباره نقش جهانی شاهنشاهی و اقدامات شریفش منظره در راه آبادانی و وسیله‌ی ایران مطالبی نوشته و افزوده است: شاهنشاهی ایران دوهزار و پنجاهمین سال بنیانگذاری شاهنشاهی ایران و ریشی و بی‌سودی شهبانو را ستودند و به تقسیم اراضی بین کشاورزان و صنعتی کردن کشور و ایجاد نایستاد توانگون واحداث مدارس دولتی پرداختند.

چهره جشن شاهنشاهی ایران در کشورهای: آلبانی - اردن هاشمی - اندونزی - جمهوری افریقای جنوبی - ایرلند و ایسلند

ایران در همان ... برنامه های خاص را بدو ... و ... در تمام مدت جشن ... تشکیل نماینده آثار هنر ایران در همان ... انجام مایه های ورزشی ... جایزه مخصوص برای آن ...

اندونزی
برنامه‌های علمی و فرهنگی
تکلیف ... جشنه خاص علمی در ... دانشگاه‌های تاریخ و ادبیات و حقوق دانشگاه اندونزی، سلاله فرهنگ، سان مخصوص سازمان

ایران در همان ... برنامه های خاص را بدو ... و ... در تمام مدت جشن ... تشکیل نماینده آثار هنر ایران در همان ... انجام مایه های ورزشی ... جایزه مخصوص برای آن ...

اندونزی
برنامه‌های علمی و فرهنگی
تکلیف ... جشنه خاص علمی در ... دانشگاه‌های تاریخ و ادبیات و حقوق دانشگاه اندونزی، سلاله فرهنگ، سان مخصوص سازمان

انتشار ششمین مخصوص ایران از طرف مطبوعات آمیسری و انگلیسی، در روز آواز رسمی جشن (۱۹۵۰ اکتبر ۱۹۷۱) ۳۱۳۳ (۱۳۰۰) نمایش فیلم‌های مستند دربارۀ ایران از تلویزیون آمیسری و سینما های آمیسری، به ایستگاه ... در برنامه های مخصوص فرهنگی مربوط به ایران در آمیسری، در ماه اکتبر ... برنامه مخصوص ایران در آمیسری ... (۲۰ مه ۱۳۰۰) تمام هفته

اردن هاشمی
اعلام هفته ۱۲ تا ۱۸ اکتبر ۱۹۷۱ (۲۰ مه ۱۳۰۰) تمام هفته

ایران با جشن شاهنشاهی احترام و شخصیت شایسته و درخور خودرامی یا بد

داده‌های زبان پارسی و هنر ایرانی به جامعه انسانی شایان توجه عمیق است

نارده دیگر فرهنگ و ادب ایران در قرن هفتم هجری عارف ربانی مولانا جلال‌الدین محمد بن به‌عالمین بود که از افق درویشی منجلی شد با تملیحات و فلسفه و عرفان بارش آینه جهان گشاید کرد. کتاب ششوی مولانا با سبقتاً لاجرار بی‌تردید بر کلام حکاک در ادبیات عرفانی است.

نایم بنیاد دانش و ادب خداوند سخن شرق‌البدین سمدی شیریان حق رسالتی را که یک شاعر و نویسنده جهانی دارد ادا کرده و یقین گفته است که: هفت کشور نمی‌کنند امروز بی مقالات سمدی ابرسنی او در نشر دوستی و نوع پروری، در توحید و برپستی خدای بیچون داد سخن داده و بسا از سخنانی شار مبلج و سعادت برای کلیه اقوام و ملل روی زمین شده است نظیر ایات زیر که همه شنیده‌ایم:

فتو با:

دکتر نیرسینا
استاد ادبیات دانشگاه تهران

همراه با کاروان زبان پیش آمده و پدوران ما رسیده است. در خصوص روح و معنی یا معنوی زبان و ادبیات ما براسستی می‌توان گفت در نتیجه روش حکومتها و شاهان این سرزمین که از دیرباز حامی فرهنگ و مدنیت و گسترش پر تو انسانیت بوده‌اند، سخن فارسی هم این اصول را همراه با زیباترین جلوه‌های پیش و دانش بشری در برابر دید و اندیشه مردم گیتی تجلی داده است.

آثار مورخان بزرگ‌یونان و روم و دیگران و همچنین شهادت کتابهای مذهبی و سرنام‌ها تاریخی متعدد در ادوار مختلف این مطلب را تأیید میکنند.

زبان و ادبیات ایران در سازه تمدن عظیم اسلامی نیز سهمی بزرگ دارد. شاعران و نویسندگان فارسی زبان در همان حال که حقیقت و روح اسلام را در نظر جامعه انسان جلوه گر ساخته‌اند زیادهای طبیعت و جمال آفرینش را همراه با تبلیغ اصول عالی حکمت و اخلاق در آثار خود نمایش داده‌اند. کتابهایی که از روزگار پیش از اسلام برجای مانده، مانند آثار دوره‌های اسلامی، سرفاز از عالیترین معانی و ارزشمند هدیه‌های ادب فارسی بی‌جامه انسانی است. ایماں به مبداء آفرینش، ستایش خدای یکتا و رهنمایی نوع بشر بتوحید و پرستش خدای بزرگ سر آغاز این دفترها و مایه جمال و کمال این هدیه زیاست.

متنماً پیرامون زبان و ادبیات گذشته ایران توضیحی بهیچا ...

این مفهوم از دیدهای مختلف شایسته بحث مفصل است، از نظر لفظ یا بیکر سخن باید بگویم که زبان فارسی شاه‌ای از ریشه اصلی زبان اقوام آریائی است و کهن‌ترین چهره آن که زبان اوستایی است یا سکریت، یعنی شاخه هندی ریشه مذکور عهد و چون برادر همانند است.

فارسی کهن چهره‌های دیگری که از قبیل مادی، آریائی باستان، سمدی، خوارزمی، ساگیایی، یاخنتی و نظایر آنها داشته اما از همه برتر همان فارسی باستان بوده که با خط میخی بر کتیبه‌های شاهنشاهی هخامنشی نقش شده است.

زبان اوستایی از آن رو که زبان زرتشت متفکر بزرگ آریائی و نماینده اندیشه‌ها و فلسفه و آیین اوست از جهت صورت و معنی مورد پژوهش ایرانشناسان و دانشوران بزرگ دنیا قرار گرفته تا آنجا که شناسایی اوستا بصورت باخود مخصوص و مفضل افکار بسیاری از متفکران گیتی را بخود منتقل داشته است از آنجمله فردینک نیچه فیلسوف نامی آلمان که اهل شعر و ادب بوده است بزرگترین کتاب‌فلسفی و ادبی خود را بعنوان "زرتشت چنین گفت" نامید.

آنچه محقق است زبان و ادبیات ایران کهن اثری عمیق برصفت گیتی گذاشته و این شاهنشاهی با عظمت باقیه آثار همین زبان مملع فرهنگ و تمدن را در میسان تیرگی‌های زمان خود افروخته است.

در دوران شاهنشاهی اشکانیان فارسی کهن با تحولاتی بنام "پهلوی" زبان رسمی ایران شد. و تا پایان روزگار شاهنشاهان ساسانی یعنی متجاوز از هفت قرن زبان تکلم و وسیله گسترش فرهنگ و نظام و مدنیت ما در اقلیم مشرق آن اصیل بود.

پس از طلوع خورشید عظمت اسلام، با تحولات شگرف فکری، روحی و مذهبی که در ملت ایران روی داد زبان این ملت نیز تحول یافت، تندیس سخن پهلوی زبان ندری که در دیار فرمانروایان مشرق ایران تکامل یافته و با کمال تازی آمیخته شده بود تبدیل گشت و آن همین زبان است که

عادت زبیر که همه شنیده‌ایم: بتسبیح و سجاده و تلقین نیست کدر باقری‌یگرند گوهر نند.

نارده دوران در ششمین سده هجری شمسی‌البدین مجدد حافظ شیریان حکمت شگرف از دین و عرفان شرعی و طریقت، دانش و حقیقت، عشق و محبت در هم آمیخت، و بر بوته طبع که از عشقی آتشین میگذاشت فرو ریخت، آنگاه بصورت زغلهای بدیع و سحر آمیز بدیای پیش و ادب تقدیم کرد چنانکه نامداران فرهنگ و اهل نظر را در شرف و غرب گیتی مفتون و شبدای شخصیت والای خویش ساخت. در سده نهم هجری عبدالرحمن جامی پیشوای بزرگ ادب فارسی آثاری بوجود آورد که شاهان و ناموران ایران و هند و عثمانی آنها را با عنوان تریک برای یکدیگر هدیه می‌فرستادند و همه در آن ایام بود که سخن فارسی دروازدای بر ادبیات ترکی گشود و آرا گسترش و رونق دیگر داد.

از قرن سیزدهم هجری زبان و ادبیات ما پیش از این در زبانهای ملل دیگر اثر گذاشت و زبانهای دیگر انتقال یافت و اهل پیشین در سراسر جهان ارزش گنجهای سخن فارسی و تاثیر ادب ایران را در پیشرفت فرهنگ و مدنیت جامعه بشری شناختند دانشمندان نامی دنیا از هر زمان و

ایران احساسات و بیان تأثرات و عواطف بشری که ماده اصلی و اساسی هر اثر است در اشعار گویندگان ما بحدی است که هر شنونده را متقلب می‌کند و اثری ژرف در اعصاب وجود او برجای میگذارد. شاهنامه فردوسی حماسی بی‌ظنری ملی یکی از مظاهر نبوغ بشری است بر عیاج خیام و آثار نظامی که هر دو محبوب جهانند پرتوی از اندیشه و ذوق عنصر ایرانی است که بر عالم دلبا در سراسر گیتی تجلی کرده است.

آنچه محقق است زبان و ادبیات ایران کهن اثری عمیق برصفت گیتی گذاشته و این شاهنشاهی با عظمت باقیه آثار همین زبان مملع فرهنگ و تمدن را در میسان تیرگی‌های زمان خود افروخته است.

در دوران شاهنشاهی اشکانیان فارسی کهن با تحولاتی بنام "پهلوی" زبان رسمی ایران شد. و تا پایان روزگار شاهنشاهان ساسانی یعنی متجاوز از هفت قرن زبان تکلم و وسیله گسترش فرهنگ و نظام و مدنیت ما در اقلیم مشرق آن اصیل بود.

پس از طلوع خورشید عظمت اسلام، با تحولات شگرف فکری، روحی و مذهبی که در ملت ایران روی داد زبان این ملت نیز تحول یافت، تندیس سخن پهلوی زبان ندری که در دیار فرمانروایان مشرق ایران تکامل یافته و با کمال تازی آمیخته شده بود تبدیل گشت و آن همین زبان است که

آرنولد توپینی، مورخ بزرگ انگلیس و جهان‌آزاد شاهی ایران سخن می‌گوید:

شیوه‌شاهنشاهی کوروش و جانشینانش همان روحیه‌ای است

که دنیای امروز در بین رهبران سیاسی در جستجوی آن است

بنیاد نخستین امپراطوری ایران نته‌ها در تاریخ آن کشور بلکه در تاریخ جهان هم واقعه‌ای بسیار مهم است. امپراطوری ایران در دوران خود یگانه قدرت فائز جهانی بود و اثرات بعدی آن بر زندگی بشر جاودان بوده است.

نخستین امپراطوری دیده‌نیار همی را در گذشته بشریت متخشا می‌کنند، بلکه با بنده‌مربوط بوده‌یونندارد، اکنون که تکنولوژی مسافت‌ها از میان برداشته، سلاح‌های سرد اختراع کرده، همه مردم عالم موفقتند که بصورتی پایکیگر متحد شوند. زیرا تنها راه دوم در برابر انهدام دسته‌جمعی و مقابل، همین است. این یکپارچگی آنها برهمناس جهانی همانقدر که در وریت دشوار هم هست. سیاستمداران که باین اندیشه سرکار داشته باشند پراختیائی نیازمندند و این راهشائی را میتوانستند در تجارب امپراطوریهای گذشته‌ای که در صدده وحدت عالم بوده‌اند، بی‌یافت کنند.

نخستین امپراطوری ایران از جمله امپراطوری‌هایست که در این مورد پنجین هندی نزدیک شده است. از اینرو تجارب این امپراطوری درحال حاضر برای بشریت میتوانست سرمقت باشد.

نخستین امپراطوری ایران بخاطر وسعت، ابزار و وسائیل، تکنیکات و تدابیرش قابل اهمیت است. امپراطوری مزبور مناطقی را که حوزه سه رودخانه بزرگ یعنی دجله‌سی، نیل سفلی و سند بود شامل میشد - یعنی سرزمین‌هایی که زادگاه اولین تمدن‌های عالم بودند.

درباره نویسنده این مقاله:

«آرنولد توپینی» را «میوان یک معمار تاریخ تمدن تعریف کرد. او، به‌خاطر، مفهوم و معنای عمیق‌تر از ارتباط واقع‌بنشیده است. و با فلسفه و دیدی به‌تاریخ‌نگار است» که به پیام کلی و اساسی راه در توپین تمدن‌ها، دنبال می‌کند. و برای تمدن‌ها، قائل بربوح و معنوی مغزوی و همین مغزوال، می‌نویسد، آینده تمدن راه نیز، تبسب بخش.

توپینی، با به‌یوستی و رابطه مغزوی تمدن‌ها، ادامه حیات آنها در تمدن‌های دیگر، معتقد است، و مغزوتی روحی که در تمدن می‌جوید، به‌تاریخ، مطلق و بدوشتی خاص بنشیده است. او بر همین مغزوال، در نقد تمدن معاصر، نظریه‌ای اساسی ارائه کرده است.

مغزوی «توپینی» تمدن، جریانی است زنده که برای تمدن، دارای معنا و روحی است، و دوام و بقای آن، باین روح و معیار وابسته است. برای معرفی و شناخت بیشتر او ترجمه‌هایی کرده‌ام و او در استیکولوپ رایتیکا آمده است که زیر می‌نویسم: «آرنولد جوفی توپینی» مورخ برجسته انگلیسی است که مطالعات و کوشش‌های او به‌شناختن تمدن دوره‌های باستانی کمک فراوان کرده است.

او در چهاردهم آوریل ۱۸۸۹ در لندن متولد شد. ابتدا در ویچستر و کالج بایلیول به‌تحصیل پرداخت و سپس در دانشگاه آکسفورد دوره تاریخ‌نگارستانی را بیابان رسانید (۱۹۱۱-۱۹۱۶).

از سال ۱۹۱۸ تا ۱۹۲۴ بعنوان استاد زبان و ادبیات یونانی و همچنین تاریخ در دانشگاه لندن بتدیس پرداخت و از سال ۱۹۲۵ تا ۱۹۵۰ که زمان بازنشستگی او فرانسیه، چندین مطالعات مهمی سلطنتی امپورین انگلی و استاد تحقیق ادوین اللملی دانشگاه لندن بود.

بهمان چگونگی او را و دوام جریانی برای کار در دستگاه‌های دولتی نظرفرگشده است. او در هیئت‌های انگلیسی که در کنفرانس‌های صلح پارلی رسال ۱۹۱۹ و ۱۹۲۵ شرکت کردند عضویت داشت.

«توپینی» نگارش کتاب مطالعه تاریخ خود را که ۱۰ جلد است رسال ۱۹۲۲ آغاز کرد، انگیزه او در تکلیف این کتاب، درفکان بفرانسیز بود که کلاهای پوست‌ریاه برمی‌نهادند، چنانچه هر دو تاریخ‌نویس باستانی گفته است این نوع کلاها متعلق برسی‌زبان خاشاریا شاهنشاهی ایران بوده است که تا اروپا پیشرفتند. این موضوع عضویت ویژه کارهای «توپینی» را نشان می‌دهد که میزوه اصلی آن تمام دنازخ و ودینی است که از نظرفناظرسیر تحولت تاریخی دارد. درنقد کلی که از شیوه کار «توپینی» است، همگان با نظر نظر دارند که کارهای او خدمت مهمی به‌تدین بشریت محسوب می‌شود. در اصل کار وی در کتاب «اطفاله تاریخ» تمدن است که وی در کتاب خود ۱۱ نوع آن را برشمارد و عقیده دارد که ایجاد این تمدن‌ها باضی بی‌روزنمدانه به‌خواست‌های معارضه طلبانه هجران، اقلیتی‌های خلاق‌است و این تمدن‌ها هنگامی روزوال می‌گردند که در رهبران آنها از پاسخ دادن خلایق به‌فلسفه‌های عاجز می‌مانند. برخلاف استیکول مولف انحطاط غرب، «توپینی» باور ندارد که هرگز تمدن‌ها با نظرفناظر دارند، چه می‌کستند، بدون بتوانند بر آوردن نیازمندی‌های که بوجود می‌آید مرفق گردد، یا شکست بخورد. برخلاف کارل مارکس بنظر وی این مسائل روحی است که به‌تاریخ شکل می‌دهد تغییرهای اقتصادی.

آرنولد توپینی «توپینی» عبارت است از اندیشه‌های تاریخی یونانی و تمدن و فخرت یونانی (هرزوسال ۱۹۲۴) تمدن در دوره آرمایش (۱۹۲۸) - برداشت تاریخی از مسئله مذاب (۱۹۳۵) - شرق به غرب - سفری به دور جهان (۱۹۵۰) و هفتیس - تاریخ یک تمدن (۱۹۵۹).

همچنین شامل همه مردم ایرانی زبان میشد و لذا پیشرو دولت ملی فعلی ایران بود. البته تفاوتست محسوساتر کلمه‌ار ایرانی را در استیهای شمالی درخود جلب کند و مهدا از ازبکستان فعلی و پنجاب تا بلغارستان و لبی امروزی وسعت داشت و همچنین قسمتی از یونان و هند را زیر حکومت خود درآورده بود.

سبقت بر رومیان

در روزگار قبل از اختراع تکنولوژی امروزی اولین مشکل برای همه امپراطوران این بود که چگونه وسائیل کافی ارتباطی را برای اتصال و پیوند مترسفات خویش بوجود آورند.

اما اولین امپراطور ایران در ساختن شبکه راه‌ها بر رومیان سبقت داشت و جاه‌های مزبور را با قرارگاه‌ها و پست‌خانه‌های متعددی مجهز کرده بود. که اسبان را بریزد، طی راهی طولانی، میشد با اسبان تازه‌نفس در آنجا عوض کرد، سرعت قاصدها و نامه‌رسان‌های دولتی ایران در دنیای آنروز شهرت فراوان داشت و داریوش اول شاهنشاهی ایران در طی ۱۲ ماه سفراتی وسیع انجام داد و در آن طریق‌های وسیعی را که بقصد واژگون‌سازی کارهای موسس‌شاهنشاهی ایران بود سرکوب کرد.

مهدا در دوران قبل از عصر ماشین، سفر از طریق دریا آسان‌تر از زمین بود اما هم داریوش اول و هم پسرش خاشاریا اندیشه‌ای متوجه ایقانوس داشتند. داریوش کبیر راهی آبی را از رود کابل تا سند در متهالیه خلیج فارس و دریای سرخ کشود. و بین ندای نیل کانال‌سوز تا ایجاد کرد. خاشاریا تلاش کرده تا شاهکار فنیقی‌ها را که دور زندن قاره آفریقا بود تکرار کند. مثل شاه‌عیاسی سفوی - والیته مثل حکومت امروزی ایران، هخامنشیان توجه زیادی به‌امنیت سواحل و جزایر فارس می‌دول میداشتند.

سیاستمداران اولین امپراطوری ایران در حقیقت پیش‌آهنگان و پیشروان برقراری ارتباط مسافندور بودند. اما اگر فرمانروایان این مملکت در جلب قلوب اکثرت موقت نبوده‌اند، راه‌های دریائی و زمینی نمیتوانست امپراطوری وسع ایران را بهم پیوند دهد. و آنها هم حیات اکثرت مردم را با سیاست آزادی مذهبی و سیاسی تحمیل کردند که درست معکوس سیاسی بود که شاهان آشوری داشتند.

رژیم امپراطوری ایران مهربان بود و خودمختاری محلی را اجازه داده بود بطوری که حتی ایالات فنیقیه تشکیل امپراطوری فرعی در خوشان داشتند. و مخصوصا دولت شاهنشاهی ایران آزادی مذهب را بطور کامل تأمین کرده بود.

آزادی مذهب

هنوز مسلم نیست که شاهنشاه هخامنشی بیرو زرتشت بوده باشند اما مسلم است که هرگز برای تحمیل مذهب خویش به‌زدم فشار نیاوردند بآنجایی که در دوران بعداز هخامنشی بیروان مختلف ایامک محبت و برادری می‌زیستند و سرانجام مذهب زرتشت نفوذ فراوانی بر مذهب یهود داشت و علت‌هم این بود که زور بر مردم تحمیل‌نشده بود. ریشه‌های مذهب زرتشت و یهود را در شکل فعلی آنها و اسلام و مسیحیت را در شکل فعلی‌شان میتوانیم به‌روخی مذهبی و سیاسی برسانیم که در دوران نخستین امپراطوری ایران رواج داشته است.

دولت شاهنشاهی ایران هرگز موردی را پدید نمی‌آورد امپراطوری سلوکیها که از ریشه یونانی بود و ۱۷۰ سال پس از آنکه امپراطوری هخامنشی از بین رفت و دولت‌های بعدی از سیاست آزادی مذهب منصرف شده بودند، بایهودیان، به‌کنشکستی سخت پرداخت و بشدیدا با آنها درافتاد.

امپراطوری موققی به‌سازش دادن تمام اتباع خود داشتند. بابلی‌ها و مصری‌ها نمیتوانستند گذشته درخشان خویش را از یاد ببرند و دولتی‌های متعدد یونانی هم که از شهرهای چندی ترکیب یافته بودند، در برابر تحلیل حاکمیت خویش در یک دولت وسیع جهانی مقاومت می‌کردند، از سوی دیگر، مانده‌های ایرانی که سابقاً مردمی امپراطوری بودند با همکاران یهودی یا پارسیا خویشتر را باین یکپارچگی سازش دادند و هنگامی که اسکندرمقدونی این امپراطوری را در مرحله‌ای قرار داد، فنیقی‌ها هم مثل ایرانی‌ها، شواهدی علی‌را از وفاداری خود پدید امپراطوری عرضه داشتند.

شهر فنیقی «تایر» در برابر محاصره‌های طولانی مقاومت کرد و ایرانی‌های پاک‌مکن مناطق شمال شرقی تهران امروزی، حتی پس از آنکه کارگرد داریوش سوم امپراطوری ایران

تجزیه شده بود، با مقاومت جانانه‌ای در برابر اسکندرمقدونی سد راه پیشرفت او شدند.

وفاداری

شاهنشاه هخامنشی از کارهای خود ثبت و ضبط رسمی برداشته و صورت مکتوبی را که تحت فرمانش بودند یادداشت کرده‌اند.

طولانی‌ترین و آگمازترین آنها سنگ‌نشته داریوش اول در بهستان است همچنین مطالب غیررسمی منابع یهودی و یونانی هم درباره این امپراطوری وجود دارد.

مطالب یونانی مخصوصاً آنچه مربوط به محسنتات امپراطوری مزبور است، از آفر حائز اهمیت است که یونانیان خصم ایران بودند. یونانیان مخصوصاً ازوفاداری طبقه اریستوکرات ایران بخاندان سلطنت و احساس افتخاری که می‌آید اصلی این وفاداری بود، تحت تاثیر فریب گرفته بودند. اسکندر از طریق جنگ، با ایرانیان آشنا شد و هرچند امپراطوری ایران را گشود ولی تمسحی گرفت که بسیاری حفظ آن ایرانیان را با یونانیان مقصدونی در گردانیدن آن شریک کند.

بدین ترتیب فاتح یونانی مغلوب تکریم و ستایش‌خود از روحیه ایرانیان شده بود. اسکندر توانست اولین امپراطوری ایران را بکشاییولی برای اجرای طرح خود مبنی بر حفظان امپراطوری از راه تجدید سازمان آن، عرش سفاک نکرد.

پس از مرگ زودرس ناگهانی او، امپراطوری بزرگی که کوروش دو مشتکیله داده و داریوش اول آن را اساس محکمتری بنشیده بود، بر اثر کشمکی سپهبدان اسکندر تجزیه شد.

تقسیم خاورمیانه

بدین ترتیب خاورمیانه تا هزار سال بعد متقسم بود و هرگز یکپارچگی و وحدتی را در زمان کوروش و داریوش از آن برخوردار بود بخود ندید. تا اینکه مسلمانان عرب کار ساختن یک امپراطوری را بر اساس فورمول‌های کوروش و داریوش آغاز کردند.

امپراطوری هخامنشی اولین شاهنشاهی ایران از یک سری شاهنشاهی بود. اشکانیان، یونانیان را از ترکستان تا قساق اشکانیان، در فراه عقب رانندند و ساسانیان که چون هخامنشیان پارسی بودند، به‌شرایط و حقوق یکسان با امپراطوری روم زور و شوهر شدند.

دومین امپراطوری ایران که با ساسانیان تا چهارصد سال حفظ کردند، مثل نخستین امپراطوری ایران برابرند. قلیله تا ناگهانی یکپارچگی برافتاد. مهدا خلارت عیاسی که تجزیه در همان مرزهای هخامنشی بوجود آمده بود، ادعای همان امپراطوری دیرینه ایران زیربالی عری بود.

سومین امپراطوری ایران

سومین امپراطوری ایران را صفویان بنیان نهادند که همان «ایران» امروز است.

بدین ترتیب نبوغ ایرانی برای ساختن امپراطوری پیوسته در حال بروز و شکفتگی بوده و ناگهانی بودن واژگونی دو امپراطوری اول و دوم با غیرمنتظره بودن ظهور امپراطوری سوم دساز است.

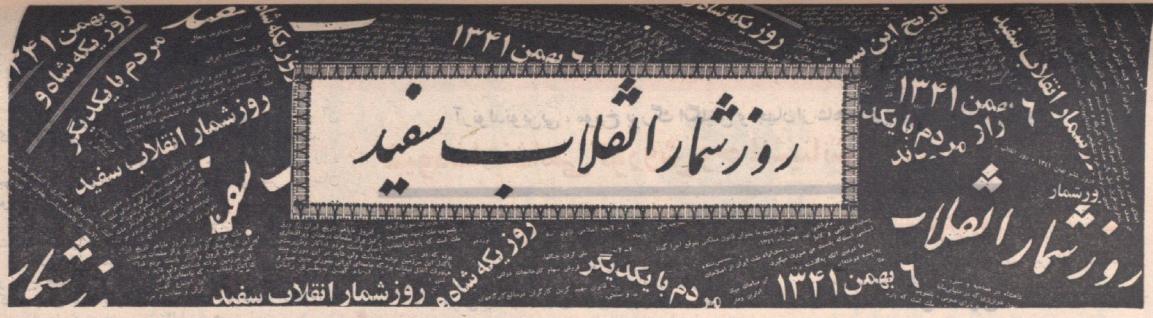
شاهکارهای سیاسی گذشته ایران در تاریخ عالم به‌عنوان وقایع بزرگ ثبت شده است. ارزش دارد که بازمه تکرار کنیم که نخستین امپراطوری ایران در آینده بشریت مغز و بوده است.

روح یکسان‌نگردیدار کوروش کبیر موسس این شاهنشاهی و جانشینان او، همان روحیه‌ای است که دنیای امروزی ما وجود آفرید در سیاستمداران چشمتو می‌کنند. سیاستمداران که وظیفه‌شان متحد کردن بشریت واقعی جهانی است.

روزنامه جشن شاهنشاهی ایران

این روزنامه طی ۱۰ شماره همراه با جراید کشور و برابر با تیراژ کلیه روزنامه‌ها چاپ و منتشر می‌شود.

تهیه و تنظیم زیر نظر: ایرج نبوی



● شاهنشاه آریامهر در مراسم پایان آموزش دانشکده فرماندهی و ستاد فرمودند: « سیاست‌تغییر ناپذیر کشور شما بر اساس احترام به حقوق سایر کشورها و بر اساس احترام متقابل و احترام به منشور ملل متحد میباشد. »

● نصب ۵ هزار خانه فراربریکه در مناطق زلزله‌زده خراسان شروع شد. این خانه‌ها را جمعیت شیروخورشید سرخ ایران، پمپ‌تکنیک و زمستان بطور موقت میسازد.

● ساختمان خطوط انتقال نیروی برق ۱۳ هزار ولتی برق اسفهان از فیروزگانه ۷۵۰۰۰ ولتی واقع در شاه‌آباد آغاز شد. این خط انتقال برای تامین قسمتی از برق مورد نیاز استان اسفهان میباشد. عملیات ساختمانی احداث‌کوی مراکش در منطقه زلزله‌زده خراسان از محل‌کند سلطان‌خاند دوم پانجاه مراکش شروع گردید.

۳۱ - شهریور

● درخوردن شاهنشاه آریامهر دانشگاه‌ها باند ملی افتتاح شد. شاهنشاه در این مراسم فرمودند: « ماهیست سعی میکنیم چندینم از چرخ‌زمانه جلوتر باشیم. و هیچوقت غافلگیر هیچ وضعی نباشیم نه غافلگیری سیاسی یعنی بنود نه غافلگیری اقتصادی و نه غافلگیری نظامی برای اینکه باید چشمه باز باشد. »

● عملیات ساختمان آب لوله‌کشی تبرکان شامل نخل ذخیره آب تمسویه به یکمچاپیش ۵۰۰ متر مکعب و ۵۰۰ متر لوله‌کشی و ۲۶ دستگاه شیر برداشت عمومی و ۸ دستگاه شیر آب‌نشانی پایان یافت. مدرسه شش‌کلاس متوسطه جالوس شروع گردید.

اول مهر ۱۳۴۷

● شاهنشاه آریامهر به اتمام شورای انقلاب اداری فرمودند: « اساس سازمان اداری ایران باید فکر شود - در انقلاب اداری باید مصلحت‌اندازی اجرائی با تفصیلات کارها از پیش ببردند - کارمندان ما با ملاحظه وینه اصلاح نیتود با حفظ‌بودن - ریز بوقت‌تکسیرین در قلمت‌اندازی بود - موانع یکسلی بر طرف شده و برای هیچ مقامی هیچگونه عذر وپناه برای نعل در کارها وجودنداد. »

● اولین کنگ خانه امیدور شیراز که با سرمایه اداره اوقاف ساخته میشود زمین زده شد.

● در نقاط خودتون‌خیز کشور ساختمان ابارهای توتون شروع شد.

۲ - مهر

● شاهنشاه آریامهر و علی‌احقرت شهناوی ایران وارد مکه شدند و جهران شوری از اعظمترین استقبال کردند. شاهنشاه دریافت حضرت پادگوری سدریجات ریشه اتحاد جمعی شیرو فرمودند: « مطالب بودیمت ایران و شعوری یعنی با شعولت و حسن تفاهم بی‌شرف می‌کنند که می‌توانیم اساسی روابط خودکورا بر پایه اقتصاد بزرگ قرار دهیم - سیاست مستقل ملی ایران و معاف ملت ایران مستقم ایستد که صنعت‌کناوری کشور اتحاداکتر متکن خودتو تری پیدا کند - بحرکتها در داخل هر گونه تصمیمی چندادو داخلی وجه در اموال خارجی پیروی از سیاسی است که بتواند بهتر منافع ملت ایران را حفظ کند - حسن کار در دولت‌ها توانستیم با وجود راههای مختلف اصل هنرشنی و حتی همکاری با تصفیه کنیم - نه خودرسانیم که بهترین خدمت‌صالح و آرامش جهانی در همین‌صحنه نفته است. »

● در اوسان بهیابستان شیروخورشید سرخ گرایش یافت.

۳ - مهر

● دبیرستان ایستد دانشگاه پهلوی طی مراسمی افتتاح شد. دبیرستان دانش‌آموزانی که سال پنجم دبیرستان را بطور آزاد گذرانده‌اند باین امتحان ورودی پذیرفته میشوند.

● عملیات ساختمانی شاه‌لوله‌گاز درواخی فضخیز جنوب‌وختنه‌های مرکزی ووشمالی کشور درحال پیشرفت است. تاکنون ۷۸ کیلومتر لوله ۱ کیلومتری از ناحیه گاز برآمده و ۷۴ کیلومتر لوله ۱ کیلومتری از ناحیه گاز تا کاشان بطور منظور رساندن گاز به این دو شهرستان پذیرفته شد.

۴ - مهر

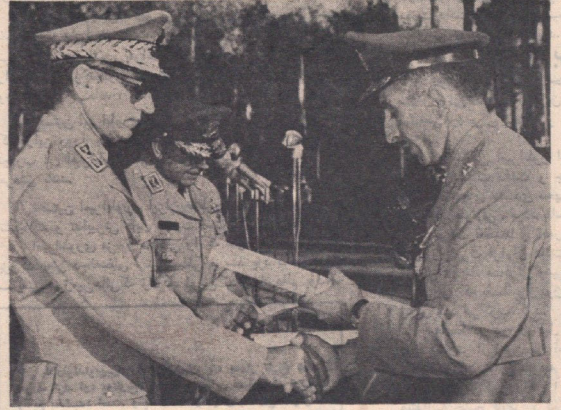
● دبیرستان ایستد دانشگاه پهلوی طی مراسمی افتتاح شد. دبیرستان دانش‌آموزانی که سال پنجم دبیرستان را بطور آزاد گذرانده‌اند باین امتحان ورودی پذیرفته میشوند.

● عملیات ساختمانی شاه‌لوله‌گاز درواخی فضخیز جنوب‌وختنه‌های مرکزی ووشمالی کشور درحال پیشرفت است. تاکنون ۷۸ کیلومتر لوله ۱ کیلومتری از ناحیه گاز برآمده و ۷۴ کیلومتر لوله ۱ کیلومتری از ناحیه گاز تا کاشان بطور منظور رساندن گاز به این دو شهرستان پذیرفته شد.

۵ - مهر

● عملیات ساختمانی کارخانه دی‌اکسید سولفور آغاز گردید. این کارخانه در زمینی به‌مساحت ۷۸ هکتار که ۳۰ هزارمتر مربع آبیاری و درکار رهنوردی، گروهی، اجهال میوزوند، و دره‌ها نطقه‌ای آغاز ساینایی فراهم می‌آورند و در زیر ساینان گسترده‌ای خود به‌آشایش می‌نشینند و پای تلاش خود راه، با دست‌خود، در زنجیر می‌گذارند. و دیدگان جستجوگر راه، در زیر لکه‌های خواب، پنهان مینارند و تنها، گاهی، لب‌مسخن می‌کشند و از آنچه که در پایان راهست، در انتظار همسفران نشسته، سخن می‌نرانند. و شکفتانگیزی است که آنان، که راه تلاش و جستجو را بر روی پشته ستانده، همواره کوله‌باری آکنده از نیاز دارند و برای پنهان داشتن عوامل مست‌خود، تنها با شوروشوقی کلام خود را پوشیده‌اند. اما دیگران، راه را در می‌نورند، تا نامهربانان به‌هم می‌گیرند. و پیش‌خارین‌ها را، بر پای خود می‌نیزند. اما اگر از میان این گروه، مسافری، به‌بش‌تتر نظر افکند، به‌حیرتی عظیم دچار می‌آید. حیرتی که مرزی بر آن متصور نیست، و میراث از نگریستن شکل گرفته. و حیرت از این است که بیشتر رهنوردان، که از استواری اراده‌ی خود، کوه را به‌شکستی آورده‌اند، راه، و چاه، همواره است و دیگر از خارینان و پارس‌سنگ‌ها، در آن، اثری و حتی سایه‌ای هم نیست. و اینان، چون راه را در نورشسته، و به‌اق رسیدند، در می‌یابند که حاصل تلاش آنان، حاصل

روزشمار انقلاب سفید
۳۰ شهریورماه ۱۳۴۷
شاهنشاه آریامهر در مراسم پایان آموزش دانشکده فرماندهی و ستاد فرمودند:
(سیاست تغیر ناپذیر کشور شما بر اساس احترام به حقوق سایر کشورها و بر اساس احترام متقابل و احترام به منشور ملل متحد میباشد)



- استادیوم ورزشی فرح پهلوی و استادیوم پارس در شیراز آنگونه شد. استادیوم فرح دارای بیست‌و‌هشتصدمیدانی و زمین فوتبال میباشد و ده هزارمتر مربع مساحت دارد. استادیوم پارس دارای بیست دو میدانی و زمین‌های بسکت‌بال و والیبال و فوتبال و اسفنج شامبیاند و دویزار و همت استادیوم فرح مساحت دارد.
- ۱ - مهر
- درمانگاه سپاهیان در آذربایجان که توسط سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی دایر شده‌است، شروع بکار کرد.
- ۲ - مهر
- بمطور توسعه کنسروزی شامینی، قراردادی در زمینه خرید تراکتور بین وزارت کشاورزی و موسسه دولتی (انو تراکتور) رومانی به‌امضاء رسید. بر اساس این قرارداد تراکتورهای خریداری شده، در اختیار کشاورزان و مساحیان زمین‌های راضی مکانیزه قرار خواهد گرفت.
- ۳ - مهر
- استشاری شایعه‌روزی کرج افتتاح شد.
- ۴ - مهر
- آموزش دختران سپاهی آغاز شد.
- ۵ - مهر
- بهره‌برداری از درمانگاه «وین‌هیروان» که توسط سازمان‌شاهنشاهی خدمات اجتماعی ساخته شده، شروع شد.
- ۶ - مهر
- عملیات ساختمانی اجداث ۳۰۰ مرکز رفاه روستایی در دهات درجمعیت شروع شد. این مراکز برای آشنا ساختن روستائیان به زندگی امروزی فعالیت میکنند و در هر مرکز ۲ دیمار و سورتج خانه‌داری خدمت خواهند کرد.
- ۷ - مهر
- اولین اجنح واحد روستایی که کاروزان آن وابسته به شرکت سهامی زراعی همتند درمش‌آباد، شروع بکار کرد.
- ۸ - مهر
- عملیات ساختمانی کارخانه دی‌اکسید سولفور آغاز گردید. این کارخانه در زمینی به‌مساحت ۷۸ هکتار که ۳۰ هزارمتر مربع آبیاری

- است ایجاب خواهند شد و سالیانه دویزدار دیزل بقدرت ۲۰ تا ۲۵۰۰ اسب خواهد ساخت.
- ۱۰ - مهر
- درخوردن علی‌احقرت حضرت شهناو مهدکودک و پرورشگاه محرابی کباب افتتاح گردید.
- ۱۲ - مهر
- درمانگاه سلمان درلشکرد افتتاح شد. این درمانگاه را سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی دایر کرده‌است.
- ۱۳ - مهر
- فرارده توسعه و نوسازی پالایشگاه نفت کرمانشاه بین شرکت ملی نفت ایران و یک شرکت هلندی به‌امضاء رسید. بوجه این قرارداد شرکت هلندی کلیه امور مربوط به عملیات تمسیمی، خرید و نصب ساختمان دستگاه پالایش - تولیدید و متفرقات آن و معادن و وسائل پارگیری قسم مربوط به پیش از انجام خواهند داد.
- ۱۴ - مهر
- شاهنشاه آریامهر دوره اجلاسیه یازده پارلیمان در کاشان افتتاح کردند و در خطبه افتتاحیه فرمودند: « وقت با یک میلیون کشاورز سالک زمین‌های خود خواهند شد. ماستکاری با همه ملل برای تامین هر چه بیشتر منافع ملی‌خویش دنبال میکنیم - ما مانده که خلق ملایح هوشن عملی نشده تا چه‌بیم تقویت قوای تماشایی ایران تا آن‌قدر ضروری هست که گوش کنیم. بوجه قانون تازه درازنده دیگر زراعی تمام مساحت وجود فقر ادبانت - ماه اقتصادی کشور از ۱۱ درصد کشاورزی و امیدوارم که اسال نیز چنین باشد - پناهه هوشرفتی که درخت برای برناه چهارم پیش‌بینی میشود باین تاریخ قطع نیستیم و امیدوارم حتی از این حد نیز بیشتر لزوم - اجرای اصل نوسازی فعالیت روستاهای ایران را نیز یکی مگر خون خواهد کرد. اصول اقتضای انحصاری ایالتی و ولایتی تمامه نوزده‌ساله استقرار بزرگی ملی و تقیه مردم بره‌اب ارزنگاهای دولتی بیشتر و سنگین‌تر است. »
- تحرک پاها و کارائی توان و پشتوانه‌ی اراده آنان، به‌گونه‌ای خورشیدی روشن، در پشت آفت، جلوه‌گر شده است. آنان به‌بش‌تروز و روشنیها، نیز سر صبح و پاک‌ها راه یافته‌اند. راه هستی را، حیرش باید پایهای عدل بیمنده، شاید در قلمروی خاص ازهنستی، سخن گفتن را نیز سزای باشد همچنان که در آغاز پیدای طرخی از هدف، در قالب کلام، بنساخته‌اید. اما در ریاضت هدف و رسیدن به‌مقصود، با پای‌بسا امکان‌پذیر است. و ایرامردان بزرگ تاریخ ایران که این اراده‌ی خالص‌ناپذیر، و نیرویی اهورائی، به‌آبای کردن این مرزوبوم رواجونده، و مبارزه با اهریمن‌قتی رز جهات، و نیز گسترین بر تو نیکی و فرغ دانش و فرهنگ، و برآکندن مظاهر هشاهاست که هم هست پستانده همواره، این حقیقت بزرگ را ارچ نهماده‌اند که کار، تنها پیاری دستها و پاها و اندیشه‌ها و اراده و توان، و مجال جلوه‌گری مینابند. سخن، کلیدی نیست که قتل کارها را بکنایند. روشن‌ترین تجلی این اندیشه اهورایی رامتوان در کلام رشامه‌اند کیب، و بیگانکاران امروز، و ناجی بزرگ ایران، می‌باشد. آفریدگار را، به‌ستلایی نشینیم و درود خود و دیاس بیگانه خود را برای رهبر قویید ایران نثار کنیم.
- روزنامه جشن شاهنشاهی شماره شصت و دوم

کلید کار در دستهاست

بقیه از صفحه ۱
رها میکند و گاه، با هواجس می‌پیوندند. اما، همواره ادامه‌دارند و چون نگاه، ادامه‌ی آنرا بی‌میلید به‌باقی دوردست می‌رسند، آفتی که در حاله‌ای از اجهال، خودرا پوشانده است. برای پیوندن راه، و تنها «پاه نیست که ضرورت خود را نشان میدهد. بلند توان و اراده هم، باید با آن آمیزند، و از آمیزه‌ای از اینان است که سفر آغاز میشود و راه ادامه مینابد و هر چهلند، هدف که پس از آفت پوشیده در برده‌ی اجهال، با انتظار همسفران نشسته است نزدیک‌تر میگردد. اما همواره، نمودهای طبیعی، جلوه‌ای یکسان ندارند. هر چند می‌توان، به بند پدیدآور، که دراصل هم‌مشترک هستند و با تباری‌بگانه، پیوند دارند، دریکسو، و پایا نام‌مشترک، خواهند، اما همان پدیده‌های هم‌اصل، از دیدگاه ظاهر دراز فرمای گویند گونه‌ای، و انسان‌نیز، با آنکه در آغاز از گوهری یگانه و والا، آفرینده شده و در زلال چشمه‌ساران عقل و احساس تطبیق یافته هم‌از نقطه نظر ظاهر، و هم‌از نقطه نظر عوالم و طرز تفکر و همچنین خصال، دارای اختلاف است.

«در دیکه های اصفهان وی رودخانه زاینده رود امکان ایجاد سدی هست که این کار را خواهیم کرد. این سد کشاورزی این استان را تغییر خواهد داد. و بنوبه خود تولید برقی خواهد کرد. صنعت ذوب آهن مسلمان ایجادکننده صنایع بزرگ دیگری خواهد شد صنعت آلومینیوم نیز کارگاه های متعددی را در این مملکت ایجاد خواهد کرد. صنایع پتروشیمی بمقدار غیرقابل پیش بینی ایجاد خواهند شد. برقی این استان بهرستی که لازم باشد و برای هر صنعتی که ایجاد شود کشیده خواهند شد در رودخانه ارس با مشارک همسایه شالی خود مشغول ایجاد سد های هستیم که مالا اگر تمام امکانات را در نظر بگیریم روزی قابلیت تولید شاید یک میلیون کیلووات برق و آبیاری صد ها هزار هکتار زمین زراعتی را خواهد داشت نصف این برقی بسمت ایران خواهد آمد. پس ما صنعت آذربایجان را بوسیله برق ازنان میتوانیم برای ما پدیداریم از حالا نقشه کشیدنی شبکه برق اهنری در مطالعه است میتوانیم بازهم از کارگاه های که در منطقه سراج پیدا شده است مراکز تزیوی دیگری در اطراف تهران ایجاد کنیم و گاز سراج راهم میتوانیم از یک مسیر...

رسمی نام دوره آن تمدن بزرگ

۱۳- آینده نگری

بوسله حفر چاه های عمیق آبیاری همی سیاست ما در آتیه این کشور بود که تمام فرآورده های که مورد مصرف عمومی است بقدری تولید بشود که قیمت آن بحدافل امکان در دسترس مردم رسد.

باید در شهر های که جمعیتشان روبه افزایش است و وسیله زندگی ایجاد کرد «یا مبارزه با بیسوادی و سالم کردن افراد مملکت و واگذاری کار مردم بوسیله خودشان وضع فعلی بهتر از سابق خواهد شد و اشاعه عالمه ما قادر به انجام اینکارها خواهیم بود. بهمین ترتیب تهرجا که باید کارهای اداری را از تهران بشهرستانها منتقل کنیم. در این زمینه مشغولیم و سعی ما صرف این است که حتی المقدور از تمرکز کارها در تهران جلوگیری کنیم.

بزرگ شدن تهران باین سرعت مشکلات عظیمی ایجاد کرده است. تامین آب و برق و وسایل ارتباطی و ترافیکی و شهر های بزرگی کار آسانی نیست. تامین آذوقه و خوراک برای سایرین چنین شهر بزرگی نیز کار آسانی نیست. باید در نظر بگیریم که این جمعیت سالمسال روبه افزایش می رود. و باید برای مردم کار ایجاد کرد. بزرگ شدن یک چنین محیطی امر اشتباهی بزرگی است. خواه و ناخواه شهر باین بزرگی اگر وسیله کنترل عقلانای برای آن پیش بینی نشود در واقع یک هیولائی خواهد بود که ممکن است موجب بیم خوردن تبادل زندگی یک مملکتی بشود. ما باید در شهرستان های که جمعیت آنها روبه روز افزایش مییابد کار و وسیله زندگی ایجاد کنیم.

در شرایطی مستعجلی مانیدانند مجلس شورای ملی ۱۰ اسفند ۱۳۴۰

که مشغول مطالعه هستند باصفهان برسیام.

این کمربند برق البرز که متواتر تا کرگان برود و اگر لازم باشد از این سمت بتهران و دومرتبه بسد سفیدرود بسته شود و از آن طرف به تانسایات برق آذربایجان متصل بشود امکان خواهد داد که دشت قزوین را مطابق آخرین متد های...

خوشتن را ، بان بوشی بیاریه که شاید روزگاران امروز است . در بوشی از ان شهرها و آگاهیها زیرا عدم آگاهی ، و به خصوص نفلت در این روزگار ، باعث شکل گرفتن مصیبت های است که گاه هرگز نمیتوان به چیران برخواست و شک نیست که هر کس را در دود و دغ ، مسؤلینی خاص به گردن آید ، است که باید تنها خود را ، از نترسد و آسیب و امان دارد ، و طیفه ای آسانتر دارد و با تکلیف ، نه تنها خود ، بل خانواده را ، در بنه ابراه و تیزی خود گیرد ، و طیفه ای دشوار ترا گردن نهاده است . و سرانجام آن کسان که حمایت اقوام را به خود داده اند ، باری سنگین بوشی گرفته اند .

باید بدین مصیولیت ، انسان مسؤل ، و ناپاک به ادات و تهنیز بیشتر دارد . و اداسی اسرائولین ، و ناپاک به ادات مسؤل ، و باسادر فرمای کشور ، و ناکسانان آنها و مستحدا و بنه مال و جان مردم است ، بیش از هر دورانی دیگر ، در این تاریخ نیاز به فشاری و آمدتی دارد . و این معلومی است که در حال شهر های ایران نهفته است و روشنی آن ، تا ناپاک است که در تمام کشور باسناد ، و میتواند فروغ آنرا ، از پشت برده یک ، لمس کند .

هند ، ایران ، باید اکنون به بوشی آگاهیها ، ارسته باشد ، و اکنون از هشاری و بیادری ، بهره جوییم که حتی اندیشه ایجاد نامی ، در ذهن به اندیشه آید . و شاعشته ایران زمین ، باسناد تطبی اراده ای ایرانی ، خود برترین پایه هشاری و نگاه افشایی ، برای ایران زمین هستند و بیکم ، جلوه ای از نیک اندیشی و روشنی است که در سده های گذشته ، مغرب است .

انگلیس میباید ، مردم ایران ، سخن خود را از زبان خود ، بشنود که : برای اینکه حیووت فاعلیک بشود تمام پیش بینی های قبلی را باید کرد و از این و طیفه ای ، و نطفه ای که حتی عقل ساده نیز بجا نمی کند ، آنی غفلت نخواهیم کرد . این همانست که گویای رات بقای ایران و ایرانیان است .

... و ناکند دورانه

آنانکه مسئولیتی بزرگتر

بر عهده دارند ...

«ارتش باید امروز ناجائی که امکانات مالی مملکت اجازه میدهد و وسایل بیشتری مجهز بشود و در حال برای اینکه حیووت و حیاطت نسیم تمام پیش بینی های لازم را در نظر بگیریم روزی قابلیت تولید شاید یک میلیون کیلووات برق و آبیاری صد ها هزار هکتار زمین زراعتی را خواهد داشت نصف این برقی بسمت ایران خواهد آمد. پس ما صنعت آذربایجان را بوسیله برق ازنان میتوانیم برای ما پدیداریم از حالا نقشه کشیدنی شبکه برق اهنری در مطالعه است میتوانیم بازهم از کارگاه های که در منطقه سراج پیدا شده است مراکز تزیوی دیگری در اطراف تهران ایجاد کنیم و گاز سراج راهم میتوانیم از یک مسیر...»

روزگاری ، روزگار ، در گزونیست گزونی در سطح همی مظاهر هستی . و این دگرگونی ، که از پدیدگاه وجود خود مرز میگذرد ، و در دریا نشو و نما ، و در شامتساویان ، طبیعتی حاصل بشریت و دانش و آگاهیها است . عصر ماروازیستی هالی است و باسناد نرین آنها (صحنه) است . برای اردی این حقیقت ناگزیر باید نمود های زندگی امروز ، و بازنمایی روز ، به تراژدی قیاس کرد . و حاصلی که این مقایسه به دست میدهد اکنون حیرت انگیز است که گاه انسان ، نه تنها دچار شکستی ، بل دچار نوعی ازیان و میزند . همی این حقیقت عار به انسان امروز میماند که باید...

روزگاری ، روزگار ، در گزونیست گزونی در سطح همی مظاهر هستی . و این دگرگونی ، که از پدیدگاه وجود خود مرز میگذرد ، و در دریا نشو و نما ، و در شامتساویان ، طبیعتی حاصل بشریت و دانش و آگاهیها است . عصر ماروازیستی هالی است و باسناد نرین آنها (صحنه) است . برای اردی این حقیقت ناگزیر باید نمود های زندگی امروز ، و بازنمایی روز ، به تراژدی قیاس کرد . و حاصلی که این مقایسه به دست میدهد اکنون حیرت انگیز است که گاه انسان ، نه تنها دچار شکستی ، بل دچار نوعی ازیان و میزند . همی این حقیقت عار به انسان امروز میماند که باید...

استادان ایرانی از غافل نبودند. مسلمین میرز در اوایل خلاف بنیانهی کتب خاص در موسیقی پیسد آورد. و دستهای از پنجاه دختر آوازخوان فراهم کرد. که حمله خواننده زبیا و نامدار دوران ، اموزگار آنان بود. در عصر خلافت عباسیان بهنگامی که برمیکان وزارت داشتند. خانواده موسی شامل ابراهیم و فرزندی اسحق و برادرش منصور اول در موسیقی ملی ما چی جوش می آوردند. اسحاق موسی که در این شهر تاریخی دارد، قواعد هارمونی ، یعنی همان گیترا و وضع کرد و اوجاوسن کین نافع شارک و وی معروف به زبیراب ، موسیقی ایرانی را بدرباری خفای اموی اندلس یعنی اسپانیا انتقال داده و از خود نیز قاعده بنام بر آن افزود. سباز مدتی در قرن سوم هجری قیلول و دانشمند بزرگوار ایرانی ابونصر قرابی که گویند قانون را اختراع کرد بهترین اثر را در موسیقی شرق گویند بنام کتابالموسیقی الکبیر تحریر کرد و در سده پنجم نابعه داشت و بنیش ابوعلی سینا و در سده هفتم صفی الدین ارمی و صدسال پس از آن عبدالقادر امرغاهی باعلم و عمل امی هنر را ترقی بخشیدند.

در قرن نهم نیز شاهرادگان تهرمی ، بوژه باسنتر و سپس سلطان حسن بابقرا موسیقی را تشویق کردند بعد از آن تا اواخر دوره قاجاریان استادان ناچی نظیر کشتگان پرورش یافتند.

● **چنشاهی شاهنشاهی چه رابطه ای با زبان و هنر ایران دارد و در بزرگداشت ایندو چه نقش خواهد داشت؟**

سده امروزی که بانوچه و تلاش خستگی ناپذیر شاعنتا ابراهیم ، کشور ما هنگام با سیر زمان میسرود. چنشاهی باکشاهی شاهنشاهی پویندی را که فرهنگ و تمدن امروز ما با آن گذشته اقتضای این روز ، در پیش نظر ملت ایران بویکه مردم گیتی قرار میدهد او همه طار اشترین و هیجان انگیز را که میرفت در اتزوی خاموشی و خویش را بهتر درک می کند. تجدید می کند. زننده و براننده میزند. در گزونگان از چهزه آرنه زنگنده زمان برمیگرد. مردم ایران و جوان عظمت و اختراعات گذشته این کشور را که برهبری شاهنشاهان بدست آمده در آینه صافی و تابناک اعصار می بیند ، امی بخود میاید ، خویش را بهتر درک می کند باسحق و هیجان برای ترقی خود و مبین کامهای بلند برمدار و هرگز بیگانه را برتر از خود و بدون خویش نمی بندارد. دیگران هم ایران و ایرانی را چنانکه باید می شناسند و در روش و رفتار خویش احترامی شایسته شخصیت و کشورش باو تقدیم میدارند.

بعنوان خداعنلاء فرهنگ و تمدن ما میدانید دارند. در قرن پنجم فرهنگ فرقه فرمودی بزرگه ، پرچم فرهنگ ملی را برافراشت و باهتر از دراپود و عالمانی نظیر ابوعلی سینا و ایریجان بیرونی از مظاهر پیش نظیر دانش بودند. در قرن ششم خیام میزدند، امثال نظامی و خاقانی هنر شعر را باوح اعتلا برسانند و دانشورانی چون امام فرخزادی ، امام محمد غزالی ، شیخ اشراق ، علامه زمشتری ، شیخ طوسی و شیخ طبری از برنو دانش خود بر این قرن چهری تابناک می بخشند.

● **بانوچه به مطالعه عالمان در رشته موسیقی ، تلقفا بوضع موسیقی گذشته ما اشاره کرده گویند کامیاب از سلاطین در سبط و گسترش موسیقی ملی ما بود و بویکه در بطور کلی چه هنرمندانی در اینباره تلاش و چه دست چش گیر بود؟**

سده موسیقی ایرانی که ریشه ای ایرانی دارد در روزگار همانستیان بوژه دوران شاهنشاهی هرهراه بارقص و آواز بازیمهای درباری شور و حال می بخشید در عصر ساسانیان ، بوژه زمان اردشیر بابکان ، بهرام گور ، و سپس خسرو بیز بدوره شکوفان خود رسید. بقول مسعودی در مروج الذهب اردشیر بابکان گروه خواننده و رامشگر را یکی از طبقات پنجگانه مردم قرارداد و بهرام گور این گروه را مقامی برتر داد. مسلم اینست که بهرام گور باین هنر زبیا علاقه ای صعیب ابراز میداشت تا آنجا که دستور داد هیکی مردم برای سرخوشی و شادی از ساز و تراه استفاده کنند و چون عده رامشگر کافی نبود چند هزار لویا لوری از هندوستان بیاورن کرد.

نظامی توجه و کوشش بهرام را در گسترش هنر در ادبیات زیر اشاره می کند :
شهر هزار اوستاد ستان ساز ، مطرب و پایکوب و لمیت باز کرد کرد ازسواد هر شهری داد هر قطعه را از آن شهری تاجهرا که رخ کشیده خاور خورش کند و خورش باشند در دوران خسرو بیز کار ساز و سرودستان اوج گرفت ، و در دستگار باسکنه و جلال وی و رامشگر اوج ختیاگران ناموری پرورش یافتند و سرودها و داستانها پرداختند که پاریه ، نکسا ، سرکس ، رامتنی و باسناد از آنجهلاند . بالتر و الاآخر از همه پاریه یا «پهلپیت» که «پهلپیت» نیز گفته میسرای یا آهنگ و سیمدوستی ستان برای ۳۲۰ روز سال پرداخته است . کلیما هم هفت سنگاه یا هفت خسروانی ساخته که ایکه جز اسم برخی از آنها چیزی برجای نمانده است.

در دوره اسلامی ، هنر موسیقی تشویق نشده باینحال

گفتگو با دکتر نیسینا

بقیه از صفحه ۷

هر کشور در پژوهش تمدن و ادبیات ما کتابها نوشتند و شخصیت های بزرگ چون بوشدند ، نیچه ، کوته ، یوکر ، تادک ، فریدریش روکرت ، هاینه از آلمان ، پیتر آرتانیا ، زولمول و هانری ما از فرانسه و صد ها نامدار دیگر نوانع سخن ما را عاشقانه شنوند. زیرا که زبان و ادب فارسی از کهن ترین زبان براسول و پایه های توحید و پرورش نوع انسان ، بر ایران خداید و مبارزه با هر جن جهل و بهنگاری ، پریش شاه و میزبان ، حفظ وحدت و قویت بهج مومنان و مفاهیمی استوار بود که خاور و باختر دنیا نشناخته بودند. و بازم همین آثار بیجا بخش ملتها از ظلم و وحشی خواهد بود که بنام تمدن دنیای امروزی را فراگرفته است.

● **حداقلی فرهنگ و تمدن ما در کامیاب از ادوار گذشته تاریخ بود و چه افرادی درصورت چش پیروانند؟**

سده باسند باین سؤال خالی از اشکال نیست. بدلیل آنکه در تمام ادوار ، فرهنگ و تمدن ایران ، تابناک و درخشان بوده است . و نیز از ظهور اسلام عصر شاهنتان خفایشی و روزگار ساسانیان بوژه زمان شهریار اردشیر بابکان و انوشیروان مدیبت و فرهنگ ما را درخشش بیشتر بود و دانشگاه جندی شاپور نموداری از درخشندگی آن عصر است. از قرن اسلامی دو قرن پنجم و ششم را میتوان از تابناکترین ادوار فرهنگی ما دانست. چنانکه در سال ۶۶۶ یعنی آغاز حمله جنگ و سپاهیان تاتار سرزمین ایران چشم و چراغ دنیای مشرق آن دوران بودیم .

دانشگاههای نظامی شهر های پدید ، اصفهان ، نیشابور ، هرات و بلخ مدتی در پیش و شهرهای آباد و پرجمعیت بوجود مدارس و کتابخانه های بزرگ و عالمان و عارفان نامور و هنرمندان عارفانه آراسته بود.

پایه این اعتلار در روزگاران شاهان سامانی ، آل زبیر و آل بوویه گذاشته شده شاهان غزوی و سلجوقی نیز بتاثیر رقابت و تشویق وزیران خرمدند در این جهت و ایجاد درخشش سپیم بوده اند.

وزیران دانشمند سامانی ابوالفضل و ابوعلی سینا همچنین دو فرزانه وزیر شاهان دلیلی ابن المعید و صاحبین عباد در بنیانگذاری فرهنگ این قرن پنجم و ششم اثری شایسته داشته و وزیرای سلاطین غزوی بوژه فصل بن احمد اسرافین و امجدین بادیسند ، از جمله عناصر اصلی این ترقی بوده اند. سپس دورن از وزرای نامدار عصر سلجوقی عبدالملک کندی و خواجه نظام الملک همی بزرگ در آنجهت روزنامه چش شاهنشاهی

